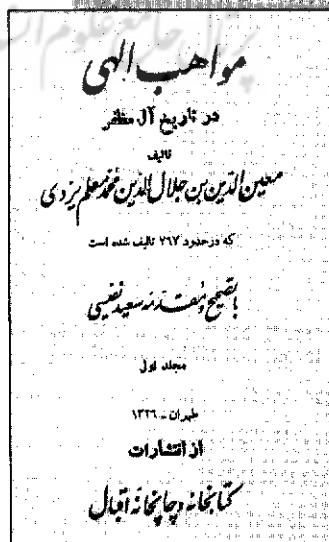
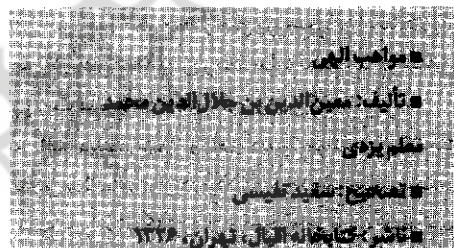


مواهب الهی، نیم قرن انتظار تصحیح

• حمیدرضا دالوند

از ۱۳۱۹ خورشیدی تا به امروز یعنی ۶۵ سال پیش در کهنه بازار فرهنگ ایران کار تصحیح و باز زنده سازی اثری آغاز شد^۱ که تا این لحظه هنوز به پایان نیامده و تا آنجا که می دانیم کسی نیز بر آن نیست تا به انجامش رساند. اگرچه بسیاری بر این باورند متن یادشده دشوار است و «به انشای مصنوع و پرتکلف که بیشتر جاهای آن اطنابی مخل دارد، تنها به نیت هنرنمایی و عبارت پردازی و استعجاب و استکبار، آن چنان که در قرن هشتم پسندیده بوده، فراهم شده است»^۲ ولی دشواری مورد اشاره - حتی اگر آن را بپذیریم - به هیچ روی مانع تصحیح و چاپ چنین اثر ارزشمندی نیست. شاید گمان برید حجم و موضوع آن، یا نبود دستنویس های کافی و مسائلی از این دست سبب شده تا کمتر کسی به سراغ آن برود. اما تا جایی که سراغ دارم چنین نیست زیرا به طور متوسط دستنویس های این اثر با رقمی میان ۲۲۰ تا ۲۲۸ برگ و هر برگ بین ۱۹-۲۱ سطر گزارش شده اند که البته حجم بالایی نیست. جالب اینکه از این کتاب نزدیک به ۳۰ دستنویس بر جای مانده است که دو تای آنها پیش از مرگ نویسنده و هفت دستنویس دیگر در کمتر از یکصدسال پس از مرگ او نگارش یافته اند. بقیه دستنویس ها هم متعلق به سده های ۱۰-۱۳ هجری هستند.^۳ از این رو باید گفت خوشبختانه دستنویس های کافی، خوانا، سالم و معتبری از آن بر جای مانده است که هرگونه مشکل فنی در این زمینه را به خوبی برطرف می سازد. موضوع اثر نیز بخشی از تاریخ یک سلسله یعنی آل مظفر در کرمان و فارس است که به اندازه کافی درباره آن می دانیم.



کتاب مواهب الهی در سال های پایانی حکومت امیر مبارزالدین یعنی پس از فتح شیراز به نگارش درآمده است و شاید بتوان گفت پیروزی امیر مبارزالدین بر رقیب دیرین خود یعنی ابواسحاق اینجودر پیدایش چنین اثری بی تأثیر نبوده است

بیشتر منتقدان روزگار ما مواهب الهی را اثری پرتکلف می دانند

۱۶۴

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا
تیر، مرداد و شهریور ۱۳۸۳

قزوین، امامزاده علی، دوره ایلهانی ▼



مواهب الهی یا به اشتباه مواهب الهیه
کتابی است در تاریخ دودمان مظفری
(۷۱۸-۷۹۵ هـ) که در حدود سال ۷۶۷
هـ. توسط مولانا معین الدین بن
جلال الدین محمد معلم یزدی به
نگارش درآمده است

پدر نویسنده یعنی جلال الدین محمد
نیز از علمای اردوی امیر مبارزالدین
مظفری بوده است و شرح برخی
رویدادها تقریر او به فرزندش
می باشد

فرمانروایی شاه شجاع در برگرفته است. آنچه که پیداست کتاب در سال های پایانی حکومت امیر مبارزالدین یعنی پس از فتح شیراز به نگارش درآمده است^{۱۲} و شاید بتوان گفت پیروزی امیر مبارزالدین بر رقیب دیرین خود یعنی ابوسعحاق ایلجو در پیدایش چنین اثری بی تأثیر نبوده است. زیرا پیروزی بزرگی تا بدان اندازه، آن هم با رویکردی دینی، نیازمند ثبتي جاودانه با عباراتی پرطمطراق و آمیخته به هنرهای لفظی و معنوی بود. گویا در ۷۵۷ هـ. بخش هایی از دستنویس را به امیر مبارزالدین به هنگام سفر اصفهان تقدیم کرد و پذیرفته شد. سپس تألیف جدی آن را پی گرفت.^{۱۱} اما دیری نپایید که شاه شجاع علیه پدر شورید و سرنوشت دودمان مظفری را به دست گرفت.^{۱۳} چنان که برمی آید معین الدین در دستگاه شاه شجاع یا شاگرد پیشین خود، به کارش ادامه داد و رویدادها را تا سال ۷۶۷ هـ. به نگارش درآورد. عزالدین ابراهیم زرقانی از مشایخ صوفیه شیراز نام آن را **مواهب الهی** نهاد.^{۱۴} از این رو باید گفت مکان تألیف و تدوین اثر، دوشهر یزد و شیراز بوده است، به ویژه بخش های مربوط به پادشاهی شاه شجاع به احتمال بسیار در شیراز تدوین شده اند.

آنچنان که اشاره شد، بیشتر منتقدان روزگار ما **مواهب الهی** را اثری پرتکلف می دانند.^{۱۴} استاد نفیسی یک سوم دیباچه تصحیح خود را به وصف نثر مصنوع اثر اختصاص داده و آن را ادامه جریانی می داند که با اثر ابونصر محمد بن عبد الجبار عتبی رازی (۳۵۰-۴۲۷ هـ) به نام **الیمینی** یا **سیرة الیمینی** در تاریخ نویسی ایرانی و اسلامی آغاز گردید.^{۱۵}

از **مواهب الهی** طی این ۶۵ سال تنها در سال ۱۳۲۶ نیمه به تصحیح زنده یاد استاد سعید نفیسی در تهران به چاپ رسید. این بخش به نوشته حضرتشان حاصل تلاشی است که از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۶ به درازا کشید و خود هرگز این گونه نمی پنداشتند.^۴

مواهب الهی یا به اشتباه **مواهب الهیه** کتابی است در تاریخ دودمان مظفری (۷۱۸-۷۹۵ هـ) که در حدود سال ۷۶۷ هـ. توسط مولانا معین الدین بن جلال الدین محمد معلم یزدی به نگارش درآمده است. پدر نویسنده یعنی جلال الدین محمد نیز از علمای اردوی امیر مبارزالدین مظفری بوده است و شرح برخی رویدادها تقریر او به فرزندش می باشد.^۵ خود معین الدین از شاگردان قاضی عضدالدین ایجی^۶ بوده و از ایشان به عنوان استاد یاد می کند.^۷ در سال ۷۵۰ هـ. که از سفر حج بازمی گردد به طور رسمی در دستگاه مظفریان مشغول به کار می شود. و مسئولیت تدریس در دارالسیاده امیر مبارزالدین محمد واقع در محله سرمیدان شهر یزد را می پذیرد.^۸ او به عنوان یکی از کارآمدترین پرورندگان و مبلغان اندیشه حکومت متشرعانه امیر مبارزالدین، فعالیت سیاسی - فرهنگی خود را ادامه می دهد. بیشتر عمرش را در یزد سپری کرد و شاه شجاع از جمله معروف ترین شاگردانش بود. افزون بر آثار قلمی، از وی مسجدی نیمه تمام در اهرستان داربندک یزد باقی ماند که بعدها به روزگار صفویه تکمیل شد. قبر معین الدین در این مسجد جای دارد.^۹

مواهب الهی با زندگی امیر مبارزالدین محمد مظفر آغاز می شود و رویدادهای این دودمان را تا سال ۷۶۷ هـ. یعنی میانه

مواهب الهی نخستین اثری است که دربارهٔ دودمان‌های مظفری و اینجویا به سخن دیگر اوضاع فارس و کرمان پس از فروپاشی ایلخانان مغول نوشته شده است

اثر ارزشمند تاریخ آل مظفر که چکیده‌ای از مواهب الهی است، اگرچه نخستین کوشش برای ساده‌سازی کتاب یاد شده به‌شمار می‌رود ولی نمونه‌ای خوب برای بیان اشکال‌های یک راه رفته نیز هست و هشدار به کسانی است که با ساده‌انگاری در پی ساده‌سازی متون هستند

حاجی خلیفه در کشف الظنون او را پیرو مکتب تاریخ‌نگاری و صاف می‌داند.^{۱۶} با اینکه مواهب الهی از نظر سبک و سیاق نزدیک‌ترین اثر به و صاف است ولی تفاوت‌های بنیادینی با آن دارد. از جمله اینکه نسبت به و صاف عبارت‌ها، گفت‌آوردها و شعرهای عربی کمتری در آن می‌بینیم و دیگر آنکه و صاف در پی بنیان نهادن یک مکتب تاریخ‌نگاری نوین است و اثر خود را به عنوان الگویی برای مکتب یاد شده به نگارش درمی‌آورد.^{۱۷} در صورتی که، این محتوا و ضرورت تاریخی موضوع است که معین‌الدین را به عبارت‌پردازی و لفاظی کشانده است. این گمان تا اندازه‌ای دربارهٔ

تاریخ‌نویسی جوینی در جهانگشا و حتی آثاری از این دست رواست. زیرا شکوه پیروزی‌های خیره‌کننده نخستین فرمانروایان هر پادشاهی - به طور معمول - تنها با وصفی پرتفاخر است که می‌تواند نمایش داده شود. افزون بر این، اطناب‌های مواهب الهی ارزشی کمتر از گزارش پوست‌کنده تاریخی آن ندارند. آنچه که در نخستین نگاه، حشو، تکلف و سخن‌پردازی‌های بیپوده به نظر می‌رسد - البته من در این جا تنها در مورد مواهب الهی داوری می‌کنم - بخش اصلی گفتمان نویسنده است و تجلی‌گاه اندیشه سیاسی وی که شاید مهم‌ترین دغدغه خاطر او هم بوده باشد. پس به هیچ رو دورریختنی نیست و باید با دقت بیشتری بررسی شود.

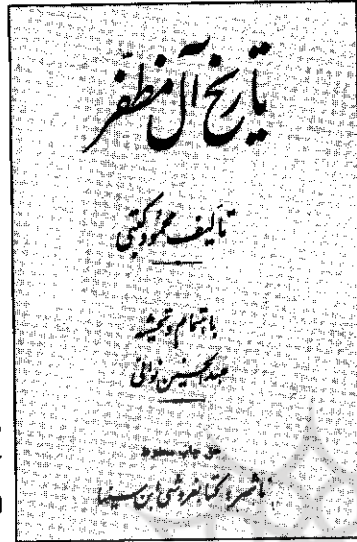
از فروپاشی دولت ایلخانان مغول تا تاخت و تاز تیمور به ایران، مهم‌ترین گرایش سیاسی، فکری پادشاهی‌های چندگانه نیمه ملی - نیمه محلی را چنین می‌توان تقسیم‌بندی کرد: الف - ریگ مرد ایلخانان (چوپانیان و تا اندازه‌ای جلایریان).

ب - تشیع (سربداران).

پ - بنیادگرایی تسنن (حکومت متشرعانه امیر مبارزالدین).

ت - آزاد اندیشی سیاسی - اجتماعی (دولت مستعجل بواصحاق).

در این میان دودمان‌های مظفری (به ویژه روزگار امیرمبارز) و اینجویان فارس (روزگار فرمانروایی ابواسحاق) به سبب همسایگی، اختلافات ملکی و از همه مهم‌تر ستیز فکری، دو



رقیب خونین بودند که بیش از یک دهه را به نبردهای توانفرسا سپری کردند. این ستیز فکری که تا اندازه‌ای جنبهٔ دینی به خود گرفته بود، در آثار نویسندگان هر دو اردوگاه به خوبی متجلی است: در اردوگاه ابواسحاق سروده‌های حافظ و عبیدزاکانی، به ویژه در غزل‌ها و چکامه‌هایی که به وصف پادشاهی آرمانی ابواسحاق سروده شده‌اند، نمونه‌هایی قابل استناد هستند و در اردوگاه امیرمبارزالدین باید به سروده‌های رکن‌الدین هروی و همین اطناب‌های مواهب الهی توجه کرد. تنها با سنجش نوشته‌های این چهار نفر است که به درستی می‌توان در پشت نبردها و رقابت‌های خونین دو دودمان مظفری و

اینجو، ستیز فکری و عقیدتی آنها را دریافت.^{۱۸}

فراتر از این مواهب الهی نخستین اثری است که دربارهٔ دودمان‌های مظفری و اینجویا به سخن دیگر دربارهٔ اوضاع فارس و کرمان پس از فروپاشی ایلخانان مغول نوشته شده است و دیگر آثار تحت تأثیر آن هستند، پس دسترسی به آن برای پژوهشگران این بخش از تاریخ ایران امری ضروری می‌باشد.

اثر ارزشمند تاریخ آل مظفر که چکیده‌ای از مواهب الهی است، اگرچه نخستین کوشش برای ساده‌سازی کتاب یاد شده به‌شمار می‌رود^{۱۹} ولی نمونه‌ای خوب برای بیان اشکال‌های یک راه رفته نیز هست و هشدار به کسانی است که با ساده‌انگاری در پی ساده‌سازی متون هستند. سنجش هر دو متن - البته با کمی دقت - به خوبی زبانی را که بر اندیشه‌های مورخ نخستین وارد آمده، نشان می‌دهد.

به هر حال، همچنان که یک گل مصنوعی هر چند هم که هنرمندانه آفریده شود با گل طبیعی دنیاها فاصله دارد، یک ترجمه خوب و حتی بازنویسی دقیق یک متن نمی‌تواند نه به طور کامل گویای اندیشه‌های پدید آورندهٔ اصلی آن باشد و نه به دور از دریافت‌های شخصی باز آفرین. شاید بتوان گفت در صورتی که دشواری‌های متن را عاملی جدی در عدم روی‌آوری به این‌گونه آثار بینداریم، الگویی که نگارنده به تازگی دربارهٔ تاریخ و صاف پیشنهاد کرد، راه حل مناسبی باشد.^{۲۰}

از مواهب الهی، خوشبختانه، نزدیک به ۳۰ دستنویس موجود است که در انگستان (کمبریج، لندن، اکسفورد)، ایران (تهران، تبریز، مشهد)، ترکیه (استانبول)، فرانسه (پاریس)، هند

(حیدرآباد) و آلمان (توبینگن) پراکنده‌اند.^{۲۱} البته پراکندگی یادشده باتوجه به مشکلات اقتصادی روزگار ما - یا بهتر بگوییم تا روزگار ما - و نیز عدم حمایت نهادهای دولتی و عمومی از این‌گونه امور حیاتی و فرهنگی، در حال حاضر بزرگترین مانع بر سر راه ارائه تصحیح درستی از اثر مورد بحث است.

زنده‌یاد سعید نفیسی اساس چاپ خود را دستنویس بی‌تاریخی قرار داده که آن را متعلق به سده یازدهم هجری پنداشته است. این دستنویس گویا از آن شاعر یزدی روزگار قاجار یعنی عبدالوهاب طراز یزدی بوده که در ۱۳۴۷ ه. به تملک میرزا حسن وحید دستگردی درآمده است. دستنویس یادشده باید جزو ماترک استاد نفیسی باشد. خود او می‌نویسد: «این نسخه با همه اعتباری که به نظر می‌آید داشته باشد، بی‌غلط نیست و گاهی کاتب، خطاهایی فاحش کرده و چیزی از قلم انداخته و کلمات را بی‌نقطه گذاشته و آنچه توانستم در تصحیح آن کوشیدم اما باز غلط‌های درست ناکرده در آن مانده و خوش‌بختانه به اصل مطلب و تاریخ زبانی نمی‌رساند.»^{۲۲} به خوبی روشن است که چاپ استاد نفیسی نه تنها به سبب اینکه قسمت دوم آن هرگز چاپ نشد، کاری ناقص است که چون دستنویس درستی را به کار نگرفته و تنها به یک دستنویس که به احتمال نگاشته سده ۱۱ هجری است، اکتفا کرده‌اند، اثری است که تصحیح دوباره را می‌طلبد و به هیچ رو قابل اعتماد نیست، به ویژه آن که استاد خود بدین کاستی صادقانه معترفند.

چندی است که نگارنده - بی‌هیچ تعارفی با بضاعت کم - ناخواسته بدین وادی کشیده شده و بی‌آنکه توشه کافی برای چنین دردسربزرگی داشته باشد، به گردآوری دستنویس‌های این اثر پرداخته و اگر روزمرگی دمی اجازت فرماید، بر آن است تا متنی مورد اعتماد از آن فراهم سازد. البته و هزار و صد البته اگر شایسته چنین خدمتی باشد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- نفیسی، سعید: دیباچه مواهب الهی، تهران: کتابخانه اقبال، ۱۳۲۶، ص ۱۵.
- ۲- پیشین، ص ۱.
- ۳- نک. منزوی، احمد؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، ۱۳۵۶، ج ۶، صص ۴۳۹۳-۴۳۹۴؛ همو، فهرست‌واره کتاب‌های فارسی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، ج ۲، ۱۰۸۹-۱۰۹۰.

۴- نفیسی، پیشین، ص ۱۵.

۵- معلم یزدی، مواهب الهی، تهران، کتابخانه اقبال، ۱۳۲۶، ص ۹۴.

۶- نک. جنید شیرازی؛ شدالازار، به تصحیح علامه قزوینی، تهران: چاپخانه مجلس ۱۳۲۸، ص ۶۷، پانویس ۳.

۷- معلم یزدی، پیشین، صص ۹۲-۹۳.

۸- پیشین، صص ۲۱۱-۲۱۲.

۹- نک. جعفری، جعفر بن محمد بن حسن: تاریخ یزد، به کوشش

ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳، ص ۹۸؛ مستوفی بافقی: جامع مفیدی، تصحیح ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۰، صص ۳۲۹-۳۳۰.

۱۰- نک. قزوینی: یادداشت‌ها، به کوشش ایرج افشار، تهران: دانشگاه تهران ۱۳۳۶، ج ۳، ص ۳۳۳.

۱۱- معلم یزدی، پیشین، صص ۱۶-۱۸.

۱۲- نک. کتبی: تاریخ آل مظفر، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر ۱۳۶۴، صص ۷۸-۸۰.

۱۳- معلم یزدی، پیشین، ص ۱۹.

۱۴- قزوینی، پیشین، ج ۳، ص ۳۳۳؛ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس ۱۳۷۳، ج ۳/۲، ص ۱۲۹۹.

۱۵- نفیسی، پیشین، صص ۱-۶.

۱۶- حاجی خلیفه: کشف‌الظنون، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۵.

۱۷- نک. دالوند، حمیدرضا: «تاریخ و صاف و دو الگوی پیشنهادی برای چاپ آن»، آینه میراث، دوره جدید، سال ۱، ش ۴ (زمستان ۱۳۸۲).

صص ۵۵-۶۲.

۱۸- پیش از این نگارنده کوشیده تا با توجه به نوشته‌های این چهارتن و تحلیل گفتمان آنها، خطوط اصلی ستیز یاد شده را روشن کند.

دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تاریخ ایران، دودمان اینجو، زیر چاپ.

۱۹- قزوینی، پیشین، ۳۳۳/۳؛ نوایی، مقدمه تاریخ آل مظفر، ص ۱۸.

۲۰- نک. دالوند، پیشین، صص ۶۴-۶۷.

۲۱- نک. منزوی، نسخه‌ها، ۴۳۹۲/۶-۴۳۹۳؛ فهرست‌واره ۲، ۱۰۸۹/۱-۱۰۹۰: قزوینی، پیشین، ۳۳۴/۳.

۲۲- نفیسی، پیشین، ص ۱۳.

توضیح کتاب ماه:

کتاب تاریخ «آل مظفر» که به نظر نویسنده، چکیده‌ای ساده شده از کتاب «مواهب الهی» است، در شماره ۴۴ - ۴۵ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ویژه تاریخ‌های محلی (۱)، (سال چهارم، شماره هشتم و نهم، خرداد و تیر ۱۳۸۰) به قلم آقای احمد فروغ بخش فسایی نیز معرفی و بررسی شده است.

با اینکه مواهب الهی از نظر سبک و سیاق نزدیک‌ترین اثر به وصاف است ولی تفاوت‌های بنیادینی با آن دارد

از مواهب الهی، خوشبختانه، نزدیک به ۳۰ دستنویس موجود است که در انگلستان (کمبریج، لندن، اکسفورد)، ایران (تهران، تبریز، مشهد)، ترکیه (استانبول)، فرانسه (پاریس)، هند (حیدرآباد) و آلمان (توبینگن) پراکنده‌اند